

فیلم سینمایی «اخاذی» باگویندگی ۲۱ نفر ازگویندگان گفتارفیلم در واحد دوبلاژ اداره کل تامین و رسانه بین الملل سیما دوبله شد. این سینمایی در گونه جنایی و هیجانی محصول آرژانتین در سال ۲۰۲۳ قرار است از شبکه یک سیماپخش شود.

مدیر دوبله این سینمایی سعید شیخ زاده و صدابرداری آن به عهده بهراد تۆکی بوده است. رضا آفتابی، رضا الماسی، مریم جلینی، ارسلان جولایی، محمدرضا حسینیان، حسین بیگی،

«اخاذی» در شبکه یک سیما!

❓ **خوشبختانه به نظر می‌رسد این اتفاق در سینمای ایران رخ داده است!**

تا حدودی، ما در این زمینه ظرفیت‌های تاریخی فراوانی داریم که از آن غافلیم. فردوسی در فرهنگ ما دریایی از تاریخ است. وقتی می‌گوییم اژدهای هفت سر شاید به نظر خیلی‌ها مسخره بیاید، اما واقعیت این است که فقط همین موضوع می‌تواند دستمایه فیلمنامه، قصه و روایت‌های جذاب و دلنشین فراوانی شود. فردوسی برای همه کارهایش اندیشه داشته و گمان من این است که فردوسی، عارف‌تر از مولوی است. البته دوستان فردا نگویند مگر تو مولوی شناس و متخصص هستی! نه، من به اندازه درک و شناخت خودم این حرف را می‌زنم و به آن معتقدم.

ماجرای گشتاسب‌نامه در بیان فردوسی دریا و غوغایی از عرفان است که وقتی فردی این دریا و غوغای عرفان را به زبان گویای فارسی به من برساند که احساس کنم از این طریق می‌توانم به تاریخ نگاه کنم، کار بسیار بزرگی است که از آن غفلت شده و نیازمند هنر و زبان تصویر است که باید بیشتر به آن پرداخته شود.

❗ **اتفاقا و به نظر من شاهنامه یک پاپلوت غفلت ماست؛ اثری برجسته که همه درباره عظمت آن حرف می‌زنند، اما انگشت شمارند کسانی که آن را خوانده باشند. حتی داستان معروف آن یعنی رستم و سهراب نیز خوانده نشده و افراد چیزی شنیده‌اند و تصور می‌کنند همه شاهنامه همان داستان رستم و سهراب است. من تصادفی به این موضوع برخورد کردم، واقعا کمتر کسی است که از «هفت‌خوان اسفندریا» خبر ندارد باشد و حتی عنوان آن هم شنیده نشده است!**

مرحوم عمومی من یعنی، سیدمحمدباقر نجفی که تقریبا همنس و سال بودیم، از طرف یونسکو ماموریت یافت که شاهنامه‌های ایران را در کشورهای مختلف مثل روسیه و... به صورت چاپ سنگی موجود بود، جمع‌آوری و در مجلدی مستقل به آنها بپردازد. ایشان این کار سخت را با ممارست و تلاش فراوان در مدت هفت تا هشت سال پی گرفت و به سرانجام رساند که در یک مجلد به نام «شاهنامه‌های ایران» به چاپ رسید که کاری کم‌سابقه نه، بلکه بی‌سابقه است.

من با ایشان و این اثر خیلی در ارتباط و دمخور بودم و آنجا بود که فهمیدم چقدر عقب هستیم و با مفاهیم مورد نظر فردوسی ناآشنا و غریبه‌ایم و تئاتر و سینمای ما می‌توانست از این کتاب استفاده کند و بهره ببرد که نبرد.

❗ **اینها که قله ادبیات ما هستند و باید خیلی قدر دانسته شوند، اما خرده‌روایت‌هایی هم مثل همین قصه و سرپال سنجرخان هستند که فراموش می‌شوند و اگر ما الان به آن نپردازیم، معلوم نیست در آینده اصلا برای کسی مهم باشد. به نظر خوب است که همیشه نباید منتظر بمانیم که همه چیز مهیا شود، بلکه با همان بضاعتی که داریم باید آستین بالا بزنیم و کاری بکنیم، اما انکار جادویی هست که دست از سر ما برنمی‌دارد و در مورد سنجرخان هم یک دهه طول می‌کشد تا ساخته و به نمایش دربیاید!**

نه! یک دهه کمتر شد اما عوامل ساخت و تهیه سریال، به خصوص تهیه‌کننده خیلی اذیت شدند. لطف این‌گونه کارها به این است که زود به حاصل بنشیند تا کارگردان، تهیه‌کننده، بازیگر، سرمایه‌گذار و دیگر عوامل که زحمت زیادی را متحمل می‌شوند، بتوانند نتیجه کار خود را ببینند و زمانی که خیلی طولانی می‌شود، قطعا در روحیه و انگیزه همه اثر می‌گذارد و به قصه، داستان، علاقه و انرژی افراد لطمه می‌زند.

در جای‌جای کشور ما اتفاقات درخشانی رخ داده که پای آن جان و مال و خون و سرمایه مادی و معنوی مردم فدا شده تا ایران بماند و سرافراز باشد و حیف است که به این تاریخ پرافتخار و غرورآفرین پرداخته نشود.

گاهی نگاه‌های مدیریتی از بالا به پایین که معمولا هم شخصی و قائم‌به‌شخص است، عمیق نیست و مانع انجام کارهای بزرگ از سوی علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر این سرزمین می‌شود که باید برای آن چاره‌ای اندیشیده شود.

متأسفانه گاهی اوقات اشخاص به اموری بیله می‌کنند و نمی‌گذارند اثر خودش را نشان بدهد و این نظر است که قالب می‌شود و در نتیجه ما عقب می‌مانیم. اگر بخواهم دوباره به سریال سنجرخان برگردم، باید بگویم که ما قصه‌های فوق‌العاده زیبایی در خوزستان، بلوچستان، شمال و جنوب و جای‌جای کشور داریم که می‌شود صدها سنجرخان از این تاریخ پرافتخار و مردم‌مطلوب و البته مقاوم و سرفراز کشورمان بسازیم و هویت واقعی این کشور و مردم را فرآوری نگاه این نسل و نسل‌های بعدی قرار دهیم.

اما مدام پشت سر هم می‌گوییم ما ۴۰۰۰ سال تاریخ داریم و فلان و بهمان. این چه فایده‌ای دارد وقتی نتوانیم اثر و ردپای این تاریخ ارزشمند را به مردم و جهان نشان دهیم! آیا تاکنون تلاش کرده‌ایم تا چغازنبیل و جندی شاپور را به‌زیبایی و درستی روایت کنیم و البته از این دست موضوعات صدها و هزارها عنوان هست که می‌تواند

مریم رادپور، آرزو روشناس، افشین زارنوری، لادن سلطان‌پناه، ابوالفضل شاه‌بهرامی، پریا شفیعیان، خشایار شمشیرگران، گوروش فیهمی، شروین قطعه‌ای، حسن کاخی، نسرین کوچک‌خانی، اکبر منائی، علی همت مومیوند، صنم نکوآقبال و سعید شیخ‌زاده صدایشه‌های این اثر بوده‌اند. خلاصه روایت این اثر از این قرار است که الخاندرو، یک خلیان است که به شکلی ناخواسته و به خاطریک تصمیم اشتباه، وارد جبهه پاندورایی از مصائب می‌شود.

او خود را گرفتار در تار عنکبوت گروهی فاسدی می‌بیند که باید برای آنها پول قاچاق کند. اخاذی یک فیلم مهیج خوش‌ساخت و دارای فراز و فرودهای بسیار خوبی است و بیننده را به خوبی با خود همراه می‌کند. در خلاصه داستان فیلم آمده است: شخصی ناخواسته وارد باری کسانی می‌شود که او را هرگونه که می‌خواهند با خود همراه می‌کنند. درواقع تلاش شخصیت اصلی فیلم این است که بتواند دست‌وپیای خود را از تار عنکبوت نمادینی که دور او تنیده‌اند آزاد کند.



محمد دشتی گروه رسانه

سیداحمد نجفی، زاده خرمشهر، بازیگر نام‌آشنای سینما و مجری توانمند برنامه‌های تلویزیونی است که پرونده پرپلاری در زمینه بازیگری در سینما و تلویزیون دارد. وی در سریال سنجرخان که بهمن‌ماه سال گذشته از تلویزیون پخش شد، ایفاگر نقش «مامانف» یک افسر روسی‌بود. علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده، نویسنده، منتقد و عضو شورای سردبیری روزنامه‌با این بازیگر توانا و پیرامون موضوعات متنوع از جمله جایگاه روایت‌های اصیل تاریخی، غفلت از پرداختن به ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی اقوام ایرانی، بی عملی در قبال سخنان روشنگرانه و شفاف رهبری در خصوص استفاده از ظرفیت‌های ادبی و حماسی، نقش آفرینی شبکه‌های معاند برای منکوب کردن هنرمندان معهود... به گفت‌وگو نشسته است. آنچه در ادامه می‌خوانید حاصل این گفت‌وگوست.

❗❗❗

❗ **شکر خدا، در آستانه ۷۶ سالگی همچنان پرشور و پرانرژی و فعال هستید و سال گذشته هم حضور فعالی در زمینه بازیگری و اجرای تلویزیونی داشتید، رموزراز این شادابی و سرزندگی چیست؟**

ممنونم! من گاهی اوقات که با دوستان شوخی می‌کنم، می‌گویم ما در کودکی و نوجوانی خرما زیاد خوردیم، نه برای این‌که از درخت و دیوار بالا برویم، بلکه ذخیره و پس‌اندازی برای این روزها و به‌خصوص برای «سالگی به بعد بوده است تا از آن ذخیره برای تلاش و فعالیت بیشتر استفاده کنیم.

جدای از این مسأله، چنین رویکردی در زندگی از نگاه من به روحیه افراد بستگی دارد؛ این‌که این سرمایه عمر در اختیار ما قرار گرفته تا به بهترین وجه ممکن از آن استفاده کنیم و تا زنده‌ایم پرتلاش و پرشور و سرزنده باشیم و هر وقت هم که نوبت رفتن فرا رسید، آن را هم با گشودگی و اقبال به سرنوشت و آنچه مقدر شده است، بپذیریم. اگر رموزرازی باشد، به گمانم این است که قدر این سرمایه ارزشمند را بدانیم و آن را به نیکوترین وجه استفاده کنیم. همین!

❗ **به شخصیت «مامانف» در سریال سنجرخان پیردازیم که شما ایفای نقش آن را بر عهده داشتید. این سریال و حضور در آن را چگونه دیدید؟**

سنجرخان روایت وطن‌دوستی و پایداری قوم کرد است؛ روایت سنجرخان وزیری نرانی ملقب به سردار اکرم فرزند حاج‌یوسف مالک. یک خان‌زاده که هیچ چیزش به خان و خان‌زاده‌ها شباهت نداشت و بر خلاف دیگران، طرف رعیت ایستاد. سنجرخان در زمان هجوم روس و انگلیس در برابر این قدرت‌ها ایستادگی کرد تا مردم کمتر طمع خطئی و بی‌عدالتی را بچشند.

ماجرای حضور و بازی من در نقش «مامانف» به‌عنوان یک سردار روسی، به اینجا برمی‌گردد که من شخصا به محمدحسین لطیفی، کارگردان این اثر مهم تاریخی و دیگر آثار ارزشمندی که خلق کرده، علاقه‌مند هستم. لطیفی در آثاری که خلق می‌کند با یک نگاه روشنفکرانه بسیار خوب با مردم ارتباط برقرار می‌کند و قصه‌هایی که برای روایت تصویری انتخاب می‌کند، قصه‌های پرمغز و خوبی است.

برای ایفای این نقش به سنجند رفتم و در آنجا با آقای لطیفی صحبت کردم. صحنه‌ها و آنچه را برای کار مهیا شده بود، دیدم و چون آشنایی مختصری هم با کردستان داشتم، بازی در نقش «مامانف» را پذیرفتم. البته در آن موقع و بر اساس صحبتی که کردیم، قرار بود قصه این شخصیت مفصل‌تر باشد که ظاهرا به دلایل برخی مسائل نقش این کاراکتر را کوتاه‌تر کردند.

من برای ایفای این نقش همه سعی و تلاش خودم را به کار بردم اما این‌که کار چگونه درآمده است، قضاوتش با مردم است که امیدوارم پسندیده باشند.

❗ **علاقه‌مندی شخصی خودتان به موضوعات تاریخی تا چه حد است. آیا نوشتاری و گرافیشی فردی هم به این موضوعات و حوزه تاریخ دارید؟**

بی‌تغییر! جدای از این‌که عاشق تاریخ سرزمین خودم هستم، به‌دلیل علاقه‌ای که اساسا به موضوع تاریخ دارم، با تاریخ دنیا هم به‌خوبی آشنا هستم. در دوره دبیرستان و در مدرسه شبانه‌روزی اندیشه معلم بسیار سختگیری، البته با دانش و باسوادی به نام آقای بنی‌هاشمی داشتم که با وجود همه سختگیری‌هایی که داشت، من را عاشق و مجذوب تاریخ کرد. او تاکید زیادی بر تحلیل تاریخ و شناخت دقیق از حوادث و رخدادهای تاریخی داشت که باعث شد روحیه کنجکاوی و بیشتر و دقیق‌تر دانستن درباره تاریخ در وجود ما ریشه بپوداند و رشد کند.

صنعت سینما و نمایش ما را درگزنو و جهانی کند، اما دریغ از توجهی اندک به چنین دریایی از ظرفیت و توانمندی.

سؤال من این است آیا هیچ‌کس حرفی، سفارشی، توصیه‌ای که به نفع این ملت باشد، به جماعت هنرمند و کسانی که سکان کار در دست‌شان است، ندارد؟ مدام فیلم می‌سازیم که داریم غذا می‌خوریم و دور همیم و از این دست مسائل! چرا هیچ‌کس به فکر گنجینه‌های فاخر ادبیات ما نیست و تلاش نمی‌کند که این گنجینه‌های بی‌مثال و ارزشمند از دفينه‌های تاریخ بیرون بیاید و باعث شود ما در جهان و نزد فرزندان خودمان که می‌پرسند شما به کدام تاریخ می‌نازید، سربلند و سرافراز باشیم.

❗ **ما عیاران، قنیان، شخصیت‌ها و قصه‌های جذاب تاریخی زیادی داریم که هیچ‌کس به فکر استفاده از آن نیست!**

بله! اگر من هم می‌روم و در سریال سنجرخان نقش می‌گیرم و بازی می‌کنم، به امید همین گوهرهای فراوانی است که اگر معرفی و شناخته شوند، نگاه و نگرش ما و فرزندان ما ن به تاریخ و سابقه تمدنی این کشور عزیز تفاوت خواهد کرد. اصلا

برش



سخت‌تر از پولاد به مردم و خاکم معتقدم

این برای من همیشه سؤال است که آقای احمد نجفی که تجربه دیدن کشورهای دیگر را دارد، باسواد است و توانمندی‌هایی هم در سینما دارد، در خرمشهر چه دید که از این کشور نرفت؟

من به مدت یک سال ونیم ممنوع‌الکار شدم و خدا شاهد است که هنوز هم دلشش را نمی‌دانم. این موضوع آن قدر برایم سخت بود که یک روز لباس رزم پوشیدم و به جایی که باید بروم، رفتم. آقا! شما می‌دانی بوی خاک چیست؟ می‌توانید بگویید بوی کوجه یعنی چه؟ من سال‌ها در کوجه پس‌کوجه‌های خرمشهر زندگی کردم، اما وقتی تیر می‌آمد، فهمیدم خاک و کوجه و شهر یعنی چه! دست به دیوارهای شهر می‌کشیدم و لب‌شط، آبی به صورتم می‌زدم و معنای خاک و وطن و زادگاهم را یاد زه‌دره و جودم درک

رخ

پیگیر مثل کارآگاه‌علوی



ازجمله کارهای ماندگار احمد نجفی در حوزه بازیگری، مجموعه کارآگاه علوی است که هنوز هم در خاطر مخاطبان مانده است. کارآگاه علوی در دو سری رتی آنوقت که نقش اصلی این کارآگاه در دست نجفی بود، نویسنده و کارگردان هر دو مجموعه حسن هدایت بود. کارآگاه علوی در مجموعه کارآگاه علوی ۱، مأمور اداره تأمینات بود که در بین سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۴ مشغول فعالیت در تهران است. در کارآگاه علوی ۲ او پس از تبعید، دوباره به کار فراخوانده می‌شد و در بازگشت، تصمیم می‌گرفت با پیگیری پرونده‌های مفاسد عوامل رژیم شاه، پرده از این فساد بردارد. او بیشتر درباره بازی در این مجموعه گفته بود؛ باید این مسأله در کشور جاییفتد که اگر سریالی موفق بود، قسمت‌های بعدی آن هم ساخته شود. ضمن این‌که در این سال‌ها هرکس من با آقای هدایت را می‌دید او ما سراغ کارآگاه علوی را می‌گرفت. حتی خیلی‌ها هنوز هم من را به اسم کارآگاه علوی می‌شناسند. رئیس سازمان صداوسیما (در آن دوران) نظر مساعدی نسبت به ساخت سری جدید کارآگاه علوی داشت. بازی نجفی در این مجموعه، توانست یک چهره درست از کارآگاهی در دل تاریخ معاصر نمایش دهد.

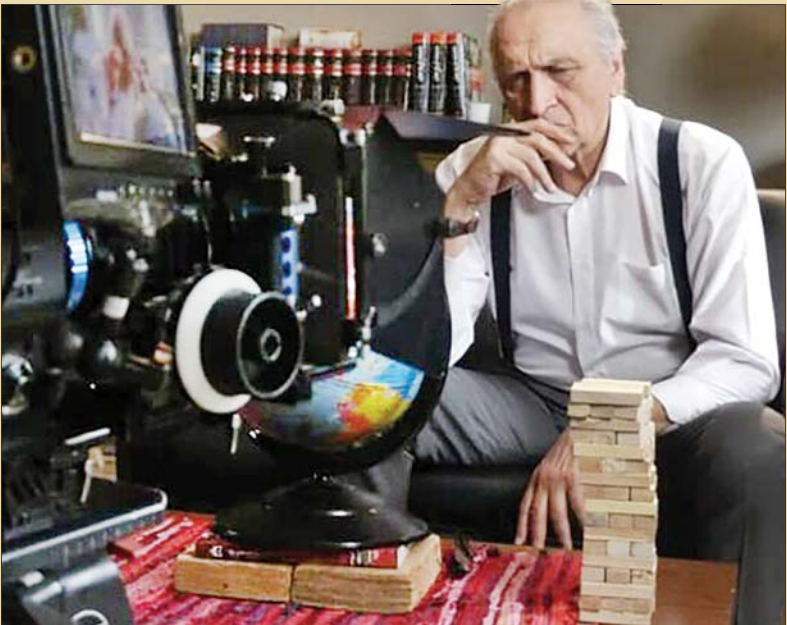
تازه‌ها

یک فرمانده روس



در میان نقش‌های ماندگار احمد نجفی، بازیگر توانمند تلویزیون، باید به نقش او در مجموعه سنجرخان هم اشاره کرد. او در این سریال، نقش مامانف، فرمانده قوای روسیه را داشت و توانست با صلابت و توانمندی که داشت، این نقش را به درستی به نمایش بگذارد. سنجرخان یک مجموعه تلویزیونی ایرانی در ژانر تاریخی به کارگردانی محمدحسین لطیفی و نویسندگی سید ضیاءالدین دری بود که در بهمن و اسفند ۱۴۰۲ از شبکه یک سیما پخش شد. این مجموعه ۲۶ قسمتی سرگذشت سنجرخان وزیری در زمان احمدشاه را روایت می‌کرد. روایت اصلی سریال هم، زندگی یکی از قهرمانان کرد به نام سنجرخان وزیری، مشهور به سردار اکرم بود. وی مبارزو آزادی‌خواه کرد اهل سنت و از فعالان انقلاب مشروطه بود که در برابر حضور نیروهای انگلیسی و روسی در منطقه کردستان به مبارزه علیه آنان پرداخت. نجفی پیش از این درباره بازی در این مجموعه گفته بود: داستان این مجموعه درباره سنجرخان، قهرمان ملی کردستان هست که با دولت‌های خارجی و به‌ویژه شوروی مبارزه کرد. به‌دلیل نگاهی که این سریال به کردستان و قهرمان‌های ملی دارد، به‌نظرم بخش آن در تقویت اتحاد ملی خیلی مؤثر است. پیش از بازی در این سریال، نام سنجرخان را شنیده بودم و کمی درباره فعالیت‌هایش می‌دانستم؛ البته نمی‌گویم که متخصص بودم اما مطالعاتی درباره سنجرخان داشتم.

نما



بازخوانی یک پرونده

مجموعه مستند داستان سه‌شنبه ۱۴ جولای که فیلمنامه آن به قلم سیدمحمدجواد حسینی به رشته تحریر درآمد با نگاهی به پرونده هسته‌ای ایران و بازخوانی عملکردهای گذشته کشور نسبت به این موضوع، سعی داشت واقعیت‌های موضوع هسته‌ای کشور را مورد بررسی قرار دهد. در این اثر که از شبکه یک سیما پخش شد، احمد نجفی در نقش نظامی بازنشسته؛ حالا به عنوان پژوهشگر، یک پرونده حساس بین‌المللی را در دست دارد و در بررسی این پرونده، حقایق تازه‌ای روشن می‌شود.



کیوارکد را اسکن کنید